

## مهارت زنان در مدیریت اقتصاد خانواده

اعظم یکتاپورفرد<sup>۱</sup>

### چکیده

حضور فعال بانوان در عرصه های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی در جامعه، نقش آنها را در کانون خانواده کمرنگ نکرده است. زن بطور طبیعی در مقام مادر و همسر، مسئولیت تربیت نسل و فرزند را بر عهده دارد. از این رو وظایف خطیری در خانواده بر دوش اوست. از جمله این وظایف می توان به مدیریت اقتصادی خانواده که توسط او صورت می پذیرد اشاره نمود، بانوان در دو حیطه درآمد و کنترل مصرف خانواده نقش اساسی دارند.

در مرحله اول که حیطه کسب درآمد و تولید است دارای چند بخش می باشد از آن جمله: اشتغال بانوان می باشد که یا در کسوت سرپرست خانواده و یا مکمل مرد برای هدایت مدیریت اقتصادی خانواده تلاش می کند و چنانچه ارثی به او رسیده باشد و حتی از نفقه و مهریه خود صادقانه برای رشد و تعالی فرزندان بهره می برد ناگفته نماند که ایثار و فداکاری مادران ایرانی زبانزد می باشد.

در مرحله دوم که بخش مدیریت مصرف می باشد: بانوان توانمند و متفکر هستند که با برنامه ریزی صحیح و تدبیر فراوان می دانند که سرمایه خانواده را در کجا-چگونه و چطور مصرف نمایند تا علاوه بر آنکه نیازهای خود و فرزندان را بر طرف می نمایند قسمتی نیز بصورت پس انداز برای روزهای نیاز استفاده نمایند. مدیریت صحیح بانوان در اقتصاد خانواده چنان اصولی و برنامه ریزی شده صورت می پذیرد که همان درآمدک خانواده را برای اموراتی همچون تحصیل فرزندان - تفریحات - زیارات و حتی انفاق مورد استفاده قرار می دهند و همه این امور به توانایی زنان متفکر و مومن باز می گردد که برکت و معنویات را سرلوحه کار خویش قرار می دهند.

واژگان کلیدی: مدیریت - اقتصاد - زنان - خانواده - مهارت

---

<sup>۱</sup> طلبه سطح ۳ موسسه حوزوی حضرت عبدالعظیم، Azamyekta<sup>۵۵</sup>@Gmail.com

در بینش دینی ما زنان دارای ویژگیهای خاصی هستند که آنان را متمایز می سازد، در اسلام زنان علاوه بر اینکه همچون مردان دارای توانایی روحی و معنوی، ظاهری و باطنی هستند از ظرفیتهای دیگری همچون مدیریت کانون خانواده خویش برخوردارند. عواطف مادرانه - مریبى گر بودن - روحى لطیف، کرامت و شرافت از ویژگیهای منحصر به فرد بانوان است. در کنار تمام این تواناییهایی که خداوند متعال به بانوان هدیه فرموده است باید مهارت تفکر اقتصادی را نیز به آن اضافه نمود، در این مهارت بانوان به حفظ کرامت اقتصادی خانواده می پردازند.

مردان و زنان، دو قشر عظیم جامعه ی بشری هستند؛ شناخت هر چه بیشتر این دو گروه از یکدیگر، بهترین وسیله برای ایجاد یک جامعه ی سالم و پاک و رو به کمال است. در دین مبین اسلام، در کنار آموزه های فراوان و مشترک بین زن و مرد، احکام متفاوتی نیز وجود دارد که با توجه به تفاوتهای جسمی و روانی و نقش های آنان وضع شده است، وضع این قوانین به تناسب این دو جنس بستگی دارد. لذا شناخت توانایی و ارزش های بانوان کمک به اوست برای بالندگی بیشتر در مسیر پیشرفت و ترقی او در جامعه ی رو به جلوی امروزی و عدم شناخت درست از استعدادها و قدرت علمی آنان در واقع بی توجهی به نیمی از افراد جامعه می باشد. این بی توجهی گاهی در خانه و خانواده و گاه در جامعه رخ نشان می دهد.

آگاه سازی از توانمندی زنان در عرصه ی مدیریت و مهارت اقتصادی چه در خانواده و چه در جامعه انگیزه ی بانوان فرهیخته را دو چندان می کند. تا با شناخت از استعدادهای خدادادی خویش بیشتر و فعال تر در توسعه ی اقتصادی و جهش تولید نقش آفرین باشند. همچنین در عرصه اجتماعی و ملی باعث بازکردن گره های اقتصادی خواهند شد، چنانچه بانوان روشنفکر فراوانی را مشاهده می نمائیم که جامعه و خانواده ی خود را بسوی اهداف بلند و متعالی سوق می دهند و عامل جهش های بلند اقتصادی شده اند.

کتابهای متعدد و مقالات فراوانی پیرامون مسایل اقتصادی نگاشته شده و به رشته تحریر در آمده است و موضوعات مختلف مانند اصلاح الگوهای مصرف - آسیب شناسی مسایل اقتصادی و غیره را مورد بحث قرار داده است؛ اما آنچه که جای خالی به نظر می رسد؛ بانوان متفکر و ناموری هستند که در این مقوله فعالیت دارند و حتی به حد اقلی آن که وجود این زنان، در حیطه خانواده نقش آفرین هستند نادیده گرفته شده، زنان قهرمانی که در این وضعیت اقتصادی کرامت و قداست خانواده را حفظ کرده اند و از تنگدستی و سقوط در ورطه فقر جلوگیری نموده و با درایت و تدبیر خود گاهی چنان معجزاتی انجام می دهند که انسان را به حیرت وا می دارد.

لذا ضروری است زمانی که مسایل اقتصادی مورد تحلیل و بحث و بررسی قرار می گیرد از قدرت شگفت انگیز زنان غافل نبود. به همین دلیل آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد؛ مهارت زنان و مدیریت آنان در اقتصاد خانواده است و چگونگی آن با توجه به آیات و روایات بررسی می گردد. و البته در زیر مجموعه این مسئله به نقش آفرینی آنها در حفظ کرامت خانواده - رشد و تعالی اعضای خانواده - و تدبیر در اداره امور خانواده سخن به میان خواهد آمد.

زنان از بینش و تدبیر سرشاری برخوردارند، که این موضوع ودیعه خداوند به آنان است. آنان در عرصه های جهادی - جنگ تحمیلی - پشتیبانی و غیره این تدبیر را به اثبات رسانده اند. آنچه از اذهان دیگران دور مانده است مدیریت قوی و معجزه آسای آنان در دو حیطة دخل و خرج منزل است. این نوشتار بر آنست که این جنبه مخفی در سایه ایثار فراوان آنان را به ظهور برساند و پرده از نقاب زنان بزرگی بر دارد که هم در عرصه ی تولید و هم در عرصه ی مصرف با بینش دینی خود توانسته اند نور برکت و معنویت را در زندگی خود و خانواده خود جاری و ساری نمایند. در پژوهش حاضر از شیوه های کتابخانه ای، میدانی و تحلیلی برای گردآوری مطالب استفاده گردیده است.

## زنان و اقتصاد

اقتصاد خانواده به معنای چگونگی ساماندهی مالی منابع خانه است. زنان بدون مناقشه در این سازماندهی و مدیریت اقتصادی نقش کلیدی دارند. با مدیریت صحیح آنان توازن بین تولید و مصرف فراهم می آید و با برنامه ریزی و اجرای صحیح آن، رشد و توسعه اقتصاد خانواده محقق می گردد. نخستین رهنمود اسلام نیز در مدیریت اقتصاد خانواده، برنامه ریزی برای هزینه کردن و ایجاد تعادل میان دخل و خرج زندگی است. قرآن در این زمینه می فرماید: «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (سوره طلاق، آیه ۷) بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد، از آنچه خداوند به او داده است، خرج کند.

این سخن بدین معناست که هر کسی باید فراخور درآمد خود، برای هزینه های زندگی خویش برنامه ریزی کند؛ زیرا درآمد همه مردم یکسان نیست. از این رو هر کس برای رسیدن به توازن و تعادل میان دخل و خرج زندگی، باید برنامه خاص خود را داشته باشد.

رعایت این توازن، حتی در شرایط مختلف اقتصادی زندگی یک فرد نیز ضروری است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: با برنامه ریزی صحیح، فقر پدید نمی آید. (غرر الحکم آمدی، ح ۱۰۹۲۰)

همچنین برنامه ریزی امور خانواده نیاز به تدبیر دارد. تدبیر به معنی درک صحیح از نیازهای واقعی خویش و حوزه تحت مسئولیت - اعم از خانواده و واحدهای بزرگتر - و مدیریت تطبیق نیازها با میزان و ظرفیت منابع مالی و پیش بینی تحولاتی که به دگرگونی نیازها، مصارف و هزینه ها منتهی می شود. از نشانه های عقل و درایت انسان است. تدبیر که در زبان روایات تقدیر - به معنی اندازه گیری - هم نامیده می شود، بر دو اصل استوار است.

الف-مدیریت صحیح منابع و درآمدها

ب-اصلاح ساختار درآمد و هزینه

مدیریت صحیح منابع به معنی استفاده موثر و مناسب از همه عوامل تولید است که به بهره وری بیشتر منجر می شود؛ به این معنی که بدون نیاز به وقت و تلاش بیشتر، منابع درآمد را تقویت می کند و درآمد را افزایش می دهد.

اصلاح ساختار درآمد به معنی ایجاد نسبت واقعی میان ورودی و خروجی یا درآمد و هزینه از مدیریت منابع در زندگی انسان، بسیار موثرتر و از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چون مدیریت صحیح منابع، درآمد را افزایش می دهد که در ساختار غیر صحیح، هزینه چون برف آب می شود. آنچه می تواند بقای ثروت را تضمین کند، تنها افزایش آن نیست، بلکه مدیریت صحیح مصرف و هزینه است.

امام صادق (علیه السلام) تدبیر را از صفات ایمانی شمرده می فرماید: «المؤمن ... جید التدبیر لمعیشته» (کلینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۴۱) مومن زندگی خود را خوب اداره می کند.

همچنین فرمودند: «الرفق فی تقدیر المعیشه خیر من السعة فی المال» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۲۷۰) مدارا در اندازه گیری زندگی از مال فراوان و درآمد بیشتر بهتر است.

این اصول با اجرای چند عنصر صورت می پذیرد.

### منابع درآمد زنان در خانواده

از مهمترین منابع اقتصادی خانواده تلاش و کوشش مرد برای تامین معاش خانواده خود است او متکفل افراد خانواده می باشد. لذا تلاش مضاعف برای بر طرف نمودن نیاز خود و فرزندانش دارد. به دلیل آنکه انسان طبیعتاً مدنی است و از نظر خلقت و طبیعت به خوراک و پوشاک، مسکن و سایر لوازم محتاج و نیازمند آفریده شده است.

تهیه و رسیدن به همه نیازها بدون استمداد و کمک از نیروی کار و تلاش دیگران از عهده یک فرد یا افرادی خاص خارج است. از این رو باید هر کس به مقتضای محیط و استعدادش به شغلی مشغول شود و حرفه ای را انتخاب نماید.

کار و کوشش، قانون عام آفرینش برای شکوفایی اقتصاد و دست یابی به اهداف و آرزوهای بلند است. هرکه این قانون را به درستی به کار گیرد، دنیای او رونق می گیرد و شکوفا می شود؛ حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

عبادت هفتاد قسم است بهترین آنها به دست آوردن روزی حلال است. (حر عاملی، ۱۴۱۲، طلب الرزق، ج ۱۵)

قرآن کریم نیز توصیه های فراوان به مردان دارد در جهت تامین نفقه خانواده خود.

«... و علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف ...» (سوره بقره، آیه ۲۳۳)

«... خوراک و لباس زنان آن هم به وجهی نیکو، بر عهده صاحب فرزند (پدر) است.»

همچنین سفارش های بسیار برگشاده دستی مرد شده است و او را از بخیل بودن بر حذر داشته اند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: هیچ بنده ای نیست که درآمدی بدست آورد و آن را خرج خانواده اش کند، مگر آنکه خداوند برای هر دره می

که خرج خانواده اش می کند، هفت صد برابر به او عطا فرماید. (القرشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۶۸، ح ۱۵۹۶) طبق فرمایشات ائمه (علیهم السلام) مرد باید برای خانواده خود گشاده دست باشد تا نعمت او تباہ نشود.

### ۱- مهریه

یکی از موارد اختلاف در حکم بین زن و مرد این است که هنگام ازدواج بر مرد پرداخت مهر واجب است ولی درباره زن چنین حکمی نیست.

مهریه یا صداق یعنی در عقد دائم یا موقت، شوهر متعهد می شود که چیزی را به همسر خود عطا کند و این مهر، می تواند هر مالی باشد، از اشیاء یا دین یا منفعت یک خانه یا زمین یا حیوان و یا اینکه تعلیم یک صنعت و کار حلال یا آموزش سوره ای از قرآن؛ بلکه ظاهر امر حق مالی قابل نقل و انتقال مثل حق تحجیر. مهم توافق طرفین بر سر مهریه است و حد خاصی ندارد. مهریه از جهت کمی نباید چیزی باشد که ارزش نداشته باشد و از جهت زیادی، مستحب است که بیش از مهرالسنه یا پانصد درهم نباشد. (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۷)

و مهریه یکی از مهم ترین آثار مالی عقد ازدواج است. البته الزام مرد به پرداخت مهریه، ریشه قراردادی ندارد و تابع اراده زوجین نیست، بلکه تکلیفی است شرعی و قانونی برای مرد و به همین دلیل، سکوت زوجین درباره مهر یا حتی توافقشان بر ازدواج بدون مهر، تعهد مرد را نسبت به پرداخت مهر به همسر از بین نمی برد. (ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی و تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۲)

طبق نظر مشهور فقها بلکه بر اساس اجماع علما، مهریه در نکاح لازم است، چه در عقد دائم و چه در ازدواج موقت، اما تفاوتی که وجود دارد این است که در ازدواج موقت اگر «مهر» مشخص نشود، عقد باطل می شود ولی در ازدواج دائم، عقد باطل نمی شود و «مهر المثل» بر عهده شوهر می آید. صاحب جواهر در مقام توضیح این تفاوت می گوید: در ازدواج دائم، غرض اصلی، بقاء نسل و تشکیل خانواده و تربیت فرزند است، اما در متعه غرض اصلی و غالبی، استمتاع و لذت جویی است، از این رو باید مانند عقد اجاره، اجرت و عوض حتما مشخص شود. (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۳۰، ص ۱۶۲) و خداوند متعال در آیات متعدد به مسئله مهریه اشاره نموده است. «وَتَوَاتَا النِّسَاءُ صِدْقَاتِهِنَّ نَحْلَةً فَإِنَّ طَبِينَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكَلُوهُ هَنِينًا مَرِيئًا» (سوره نساء، آیه ۴) و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به آنان پردازید؛ (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.

و در آیه ۲۴ می فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می کنید، واجب است مهر آنها را پردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده اید. و در روایات نیز آمده است که مهریه حدی ندارد و مهم توافق طرفین بر سر آن است. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، باب ۱) از مجموع روایات و آیاتی که درباره مهریه ازدواج در قرآن آمده است می توان استفاده کرد که در مهریه هم به هدیه و پیشکش بودن و صداقت شوهر نسبت به زن و میل او و هم به پاداش و هزینه وقت و زحمت و بهره گیری از زن توجه شده است.

## ۲- حق نفقه

ازدواج، یک پیوند و پیمان انسانی است که زن و مرد را در کنار هم قرار می دهد تا مصالح اساسی و عالی ازدواج، مانند پیدا کردن آرامش، تکثیر نسل و تربیت انسان های سالم و پاک محقق شود. تقسیم کار و وظیفه بر اساس آنچه خلقت الهی برای زن و مرد تعیین کرده و تفاوت هایی که لازم و گریزناپذیر است.

اگر بیشترین نقش در مورد بقای نسل بر عهده زن است و سختی های این مقصد و هدف عالی را او بر دوش می کشد، مرد نیز باید باری سنگین و متناسب با آن بر دوش گیرد. این دو وظیفه در زن و مرد، ویژگی های جسمی و روحی متفاوتی را می طلبد؛ نشاط و طراوت زن و آرامش خاطر او بر مجموعه زندگی خانوادگی تاثیر بی چون و چرایی دارد، همان طور نیاز بیشتر زنان به این صفات قابل انکار نیست. بنابراین، مبنای اساسی اتقان مصلحت بقاء و گرمی کانون خانواده است.

یکی از موارد تفاوت در حکم بین مرد و زن، وجوب پرداخت نفقه بر مرد (به عنوان شوهر) در عقد دائم و عدم وجوب پرداخت آن بر زن (به عنوان زوجه) است.

نفقه شامل غذا، لباس، مسکن، نیازمندی های زندگی و حتی هزینه آرایش بر اساس شأن و نیاز است. همچنین اگر زن به دلیل بیماری یا نقض عضو، نیازمند خدمتکار باشد، بر مرد لازم است که برای او در صورت توانایی، خدمتکاری فراهم کند. از جنبه حقوقی این مسئله که بگذریم، توسعه در زندگی و فراهم کردن رفاه خانواده و همسر سبب رضایت پروردگار می گردد.

امام سجاد (علیه السلام) در این باره می فرماید: «ارضاکم عندالله اوسعکم علی عیاله» (حر عاملی، بیتا، ج ۵، ص ۱۳۲) محبوب ترین شما نزد خداوند کسی است که بر عیال خود وسعت ایجاد کند.

به نظر می رسد که توجه به این حق، کانون خانواده را آرام و سالم می سازد و سکون و تعالی در زندگی پدید می آورد و فرصت بیشتری به زنان برای انجام وظایف طبیعی خود می دهد. (صافی، ۱۳۷۴، ص ۴۴) بنابراین نفقه، حق زینت بخشیدن زن به آشیانه مرد است. نفقه حقی است که به دنبال ازدواج و انجام وظایف خانوادگی بر عهده مرد و به نفع زن پیدا می شود. (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۳۵) تعبیر نفقه در آیات متعددی از قرآن آمده است مانند سوره نساء و آیه ۳۴ و طلاق آیات ۶-۷ که این کار را به مردان نسبت می دهد.

بنابراین نفقه امتیازی است که هدف آن تامین نیازمندی های عاطفی، اخلاقی و اقتصادی زن می باشد.

## ۳- ارث

خداوند در قرآن می فرماید: «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین...» (سوره نساء، آیه ۱۱ و ۱۲ و ۱۳) «خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می کند که سهم پسر برابر سهم دو دختر است و اگر فرزندان همگی دختر و بیش از دو تن باشند، سهمشان دو سوم میراث است و اگر یک دختر باشد، نیمی از آن اوست. اگر مرده (میت) فرزندی داشته باشد، هر یک از پدر و مادر یک ششم و اگر (فرزندی) نداشته باشد و ورثه ای جز پدر و مادر وجود نداشته باشد. مادر یک سوم دارایی را می برد... اگر زنانان فرزندی نداشتند، پس از اجرای وصیت و پرداخت دیونشان نیمی از میراث آنها و اگر فرزندی

داشتند، یک چهارم آن از آن شماس است. و اگر شما فرزندی نداشته باشید (بعد از مرگتان) پس از اجرای وصیت و پرداخت دیونتان یک چهارم میراثتان از آن زنان شما خواهد بود ...

این سفارش خدا به شماس و خدا دانا و بردبار است. اینها احکام خداست. هر کس از خدا و پیامبرش فرمان برد، وارد بهشت هایی خواهد شد که در آن رودهایی جاری است و همواره در آنجا خواهد بود و این کامیابی بزرگی است.» و در آیه ۷ همین سوره می فرماید: «... و از آن چه در و مادر و خویشاوندان به ارث می گذارند چه اندک باشد و چه بسیار زنان سهمی معین دارند.»

بنابراین زنان می توانند از ارثی که برای آنها مقدر شده است برای رفع نیازهای خود و خانواده خویش از آن بهره ببرند و وضع اقتصادی خود را سامان ببخشند.

#### ۴- اشتغال

اسلام زنان را برای فعالیت اقتصادی آزاد گذاشته و به آنان استقلال و آزادی داده و آنان را مالک مال و کار خویش کرده و حق قیمومیت را در معاملات زن از دیگران سلب کرده و در عین حال با برداشتن مسئولیت تامین بودجه خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزامی برای پذیرش فعالیت اقتصادی معاف کرده است. حتی اسلام برای زن مهریه و نفقه قرار داده و پرداخت آن را بر مردان واجب کرده است.

مرد نمی تواند زن را وادار به کاری کند و اگر زن به دلخواه به کاری که متناسب با شأن و شئون او و در حریم معاملات شرعی قرار دارد، مبادرت ورزد و مالی را بدست آورد مرد حق ندارد بدون رضای او در آن ثروت تصرف کند. در عین حال بر مرد لازم است که مخارج و هزینه های خانواده را تامین کند. اسلام به زن حق تحصیل ثروت و استقلال کامل اقتصادی داده است. قرآن مجید هزار و چهارصد سال پیش فرموده: «للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن» (سوره نساء، آیه ۳۲)

اگر کار کردن برای زنان مجاز نبود، هیچ گاه قرآن مجید چنین دستوری نمی داد.

در بسیاری موارد قرآن مجید دستور مشترک بین زن و مرد را با یک عبارت بیان می فرماید اما در جاهایی که برجسته و ممتاز می باشد برای هر کدام عبارتی ویژه می آورد پس مالکیت خصوصی زنان نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در آیه دیگری از قرآن مجید آمده است:

«للرجال نصيب مما ترك الوالدان والاقربون وللنساء نصيب مما ترك الوالدان والاقربون» (سوره نساء، آیه ۷)

این آیه حق ارث بردن زنان را نیز اثبات می نماید در حالی که عرب جاهلی حتی حاضر نبود به زنان ارثی اختصاص دهد؛ همچنین اسلام زنان را در انجام معاملات و عقود اختیار داده و فرموده است: «یا ایها الذین امنوا افوا بالعقود» ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانها (قراردادها) وفا کنید.

اگر زنی عقدی مانند اجاره، بیع، مزارعه، مساقات و مانند آن انجام دهد کسی نیست که آن را غیر معتبر بدانند. بنابراین در اصل حضور زنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی تردیدی وجود ندارد؛ بانوان برای حضور در عرصه های اجتماعی و دست یافتن به آنچه سبب رشد و تعالی آنان می گردد، مختارند.

البته بنا بر فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) که می فرماید: «جهاد المرأة حسن التبعل» (حر عاملی، ج ۱۱، ص ۱۵) جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.

اسلام زن را مکلف به تامین نیازهای اقتصادی نکرده است و این منزلتی است که خداوند برای زن در نظر گرفته و او را از مسئولیت های اقتصادی در قبال خانواده معاف نموده و شغل خانه داری را برای او به عنوان عبادتی بزرگ و شایسته پذیرفته است.

### مدیریت مصرف زنان در خانواده

یکی از جلوه های بارز آمیختگی اقتصاد با معنویت آن است که هم درآمد و هم مصرف دارای ضوابطی اخلاقی است که رعایت این ضوابط اخلاقی به درآمدها برکت می دهد لذا اسلام همه مسلمانان را به رعایت اوصافی همچون دوری از اسراف، رفاه زدگی و غیره در تمام جنبه های زندگی ملزم می سازد.

### پرهیز از اسراف و تبذیر

اسراف در لغت به معنی تجاوز از حد است و تبذیر به معنای پخش کردن و متفرق ساختن است (الیاس، ۱۹۹۲، ص ۳۰) وقتی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در عطایای بیت المال رعایت مساوات نمودند، عده ای از خودخواهان بر حضرت ایراد گرفته، آن را خلاف سیاست دانستند. حضرت ضمن ایراد خطبه ای به آنها فرمودند: «... الا و إن إعطاء المال فی غیر حقّه تبذیر و اسراف و هو یرفع صاحبه فی الدنیا و یضعه فی الامر و یکره فی الناس و یمینه عندالله و لم یضع امرء ماله فی غیر حقّه و لا عند اهله الا حرّمه الله شکرهم و کان لغیره ودهم...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶) آگاه باشید که بخشیدن مال در غیر حقش تبذیر و اسراف است. (این کار در دنیا (به ظاهر) انجام دهنده آن را بالا می برد، ولی در آخرت موجب سرافکنندگی وی می گردد، در میان مردم گرمی اش می نماید ولی در نزد خداوند خوارش می سازد. هیچ کس مال خودش را در غیر مورد حقش مصرف نکرد و به غیر اهلش نسپرد جز اینکه خداوند او را از سپاسگزاری آنان محروم ساخت و محبتشان با دیگری بوده) اسراف از هر نوعی که باشد، انسان را به نابودی می کشاند؛ به ویژه افرادی که با انکار آیات الهی و تکذیب پیامبران درباره خویش و جامعه ای که در آن زندگی می کنند اسراف کنند. خدای منان می فرماید: «ثم صدقناهم الوعد فأنجیناهم و من شاء و اهلکنا المسرفین» (سوره انبیاء، آیه ۹) سپس وعده (خود) به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را که خواستیم نجات دادیم و افراط کاران را به هلاکت رساندیم.

برای شناخت بهره بردای مناسب از نعمت های الهی لازم است سطوح مصرف را بشناسیم.



بیشترین حد مصرف مجاز یا مصرف در حد کمال و رفاه، سطحی از مصرف است که تجاوز از آن حرام و ممنوع می باشد و اسراف و تبذیر تنها محدود کننده های آن هستند؛ که دامنه مصرف در این سطح به دو محور محدود می شود:

۱- تضييع نشدن اموال

۲- بیش از مقدار نیاز مصرف نکردن

چنانچه قرآن می فرماید:

«و او (خداوند) کسی است که پدید آورده است باغ هایی از درختان داربستی (مانند درختان مو) و درختان آزاد و درختان خرما و زراعت ها که میوه و دانه های گوناگون می آورند و زیتون و انار و میوه های مشابه و نامشابه، شما هم از آن میوه ها هر گاه برسد تناول کنید و حق فقیران را به روز درو و جمع آوری بدهید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد.» (سوره انعام، آیه ۱۴۱) این آیه بیشتر استفاده کردن از آفریده های خلقت را اسراف می شمارد و گمان نشود که منع اسراف در آخر آیه فقط شامل پرداخت حق فقیران می شود بلکه این منع و نهی اطلاق دارد و شمول آن، همه قسمت های آیه را فرا می گیرد: چنانچه علامه طباطبایی نیز می فرماید: «و این که فرمودند: (لا تسرفوا) معنایش اینست که در استفاده از میوه ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مقید است تجاوز نکنید. درست است که شما صاحب آن هستید ولیکن نمی توانید در خوردن آن و بذل و بخشش از آن زیاده روی کنید...» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۷، ۵۵۵)

### ۱-۲- ضرورت

مصارف ضروری به نیازهایی توجه دارد که تامین آنها الزامی است و فقدان آنها سبب ضرر و زیان بر شخص و خانواده می شود، که کوتاهی نسبت به آنها ممنوع و سعی و کوشش برای تامین حداقل نیازها لازم است چنانچه امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«برای هر شخص این گناه و معصیت کافی است که در تامین معاش خانواده خود کوتاهی کند.» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۴۱) ملاک حداقل مصرف مجاز سطحی از مصرف است که کم تر از آن سبب ضرر و زیان بر شخص و خانواده وی می شود، و شامل نیازهای غذایی، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و غیر آن می شود. در آیه شریفه «کلوا مما رزقکم الله» (سوره انعام، آیه ۱۴۲) از آنچه خدا به شما روزی داده است، بخورید.

در آموزه های اسلامی، هیچ گروهی از مردم در بهره مندی از نعمت های الهی مستثنا نشده اند؛ بلکه بیان می شود که این آموزه ها دلالت دارند که همه مردم در حدی که تمام نیازهای متعارف آنان برطرف شود، از این نعمت ها باید استفاده کنند.

### ۱-۳- کفاف

برای تبیین واقعی مصرف کفاف باید به آموزه های دینی بازگشت، قرآن بارها تاکید کرده است که تمامی امکانات را برای شما آفریده ایم و در آن وسایلی قرار داده ایم که خود را بیارید. «و هو الذی سخر البحر لتاكلوا منه لحما طریا و تسخرجوا منه حلیة تلبسونها و تری الفلک مواخر فیه و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون» (نحل، آیه ۱۴) او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید، و کشتی ها

را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمت های او را بجا آورید. و در جای دیگر خشم خداوند از ژنده پوشی و زشتی بیان می شود و خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) کسانی را که زیبایی های زندگی را تحریم کرده اند سخت سرزنش می کند و می فرماید:

«قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا خالصة يوم القيامة كذلك

نفسل الايات لقوم يعلمون» (اعراف، آیه ۳۲)

بگو: چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: اینها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مومنان) خواهد بود. این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم. همینطور روایات بسیاری مبنی بر استفاده از نعمت های الهی وارد شده که توصیه به بهره مندی به اندازه کفاف می کند. مانند این روایت که پیامبر خدا فرمودند: خوشا به حال کسی که تسلیم و زندگی اش به قدر کفاف باشد. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۴۰) و امام علی (علیه السلام) فرمودند: هر کس به کفاف زندگی، بسنده کند، به زودی، به آسایش دست می یابد و زندگی آسوده و مرفهی به دست می آورد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۲۳۸) امیرمؤمنان (علیه السلام) در بیانی فرمودند: «ما فوق الكفاف اسراف» بیش از مقدار کفاف اسراف است. (یوسفی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۳۱، ح ۳) بنابراین منظور از کفاف، مقدار مورد نیاز است. مردم مجاز هستند تا به مقدار کفاف بخورند، بنوشند، بپوشند، ازدواج کنند، سوار شوند و ما بقی را به مومنان فقیر بدهند.

## ۲- پس انداز

آینده نگری، ایجاب می کند که انسان همه درآمد خود را یکجا مصرف نکند؛ بلکه آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، در صورت امکان، بخشی از درآمدش را پس انداز کند. بدیهی است که آینده نگری و پس انداز در سطح کلان برای تامین نیازهای جامعه و خانواده از اهمیت دو چندانی برخوردار است و با آینده نگری فردی، قابل مقایسه نیست. نمونه قرآنی آن نیز، آینده نگری حضرت یوسف (علیه السلام) در ذخیره گندم برای تامین نیازهای آینده مردم است. (سوره یوسف، آیه ۴۷ و ۴۸) که با آینده نگری در ذخیره سازی گندم جان های انسان ها را نجات دادند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آدمی، هرگاه وسایل زندگی اش به قدر نیاز فراهم باشد روانش آسایش می یابد. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۱، ح ۵) و امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هرگاه انسان به اندازه خوراک سالش را فراهم آورد. سبک بار و آسوده خاطر می شود. امامان باقر و صادق (علیهما السلام) تا زمانی که به قدر خوراک سالشان را آماده نمی کردند، ملکی نمی خریدند. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۸۹، ح ۱) و امام صادق (علیه السلام) به خدمتکارش مُصادف - فرمودند: زمینی پر درخت یا کشتزاری تهیه کن؛ زیرا هرگاه اتفاق (ناگوار) یا مصیبتی برای انسان پیش آید و او به یاد آورد که پشتوانه ای مالی دارد که خانواده اش را اداره کند، سخاوتمند خواهد بود. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۹۲، ح ۵) امام (علیه السلام) آینده نگری و پس انداز را عامل آرامش و نیکوکاری می دانند.

آن حضرت می فرمود: از نزدیک ترین یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) که شما آنها را به فضل و زهد و تقوا می شناسید، سلمان و ابوذر هستند. شیوه سلمان چنین بود که هرگاه سهمیه سالانه اش را از بیت المال دریافت می کرد، مخارج، یک سالش را ذخیره می نمود تا زمانی که در سال آینده نوبت سهمیه اش برسد. به او اعتراض کردند که تو با این همه زهد و تقوا در فکر ذخیره آینده ات هستی! شاید امروز و فردا مرگ تو برسد! سلمان در جواب می فرمود: شما چرا به مردن فکر می کنید و به باقی ماندن نمی اندیشید؟! ای انسان جاهل! شما از این نکته غفلت می کنید که نفس انسان اگر به مقدار کافی وسیله زندگی نداشته باشد، در اطاعت حق کندی و کوتاهی می کند و نشاط و نیروی خود را در راه حق از دست می دهد؛ ولی همین قدر که به اندازه نیازش وسیله و مال دنیا فراهم شد با اطمینان و آرامش بیشتری به اطاعت حق می پردازد. (حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۳۵)

## ۲-۱- تجمل گرایی

یکی از سفارش های اسلام در زندگی فردی و اجتماعی، قناعت و ساده زیستی است. ساده زیستی و قناعت باعث عزت، سربلندی، آرامش خاطر، تکامل فکری - روحی و سعادت انسان می شود. در مقابل، تجمل گرایی و مصرف زدگی، بیماری خطرناکی است که مفاسد مادی و معنوی فراوانی دارد و زمینه ساز انواع آلودگیها و زشتی ها می شود. تجمل گرایی، اقتصاد خانواده را فلج می کند، افکار را به خود مشغول می سازد و از سازندگی باز می دارد. از این رو باید همگان برای اصلاح زندگی تجملی بکوشند. خصوصاً بانوان که نقش اساسی در تنظیم اقتصاد خانواده دارند.

## ۲-۲- قناعت

قناعت به معنی اکتفا به قدر ضرورت است (نراقی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۰۱) و در مقابل آن، رذیله حرص قرار دارد. حرص به معنی تلاش در پی چیزهایی است که انسان به آن تمایل دارد و چه بسا که بدست آوردن آن ممکن نباشد و انسان به آن محتاج هم نباشد.

حرص از جلوه های دنیا دوستی و قناعت از شاخه های زهد است. کسی که به حرص آلوده شود، رهایی ندارد و هرگز از اندیشه مال اندوزی آسوده نیست؛ از این رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «شکم حریص را چیزی جز خاک گور پر نمی کند.» (سیوطی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰۵)

حریص با خودبینی و خویشتن محوری و بدون توجه به نیازهای واقعی خود، مصرف می کند و سهم آیندگان و حتی معاصران خویش را انکار می کند اما قناعت منشأ فضائل بسیاری است و حداقل فایده آن جمعیت خاطر است. کسی که موجودی خود قناعت کند، آرزویش کوتاه و قلبش از پریشانی رها می شود. و فرصتی بدست می آورد که به اصلاح خویشتن و تلاش در راه هدف اصلی بپردازد.

قرآن کریم می فرماید: «و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجنا منهم زهرة الحیاة الدنیا» (سوره طه، آیه ۱۳۱) به زینت های دنیوی که برخی گروه ها از آن بهره مند کرده ایم چشم مدوز. در بینش اسلامی انسان موظف است که بطور معتدل کار کند؛ اما کفیل روزی، خداست.

## ۲-۳- میانه روی

یکی از ارزش های حاکم بر حوزه مصرف، اعتدال و میانه روی است. میانه روی یا حسن تقدیر از نتایج و آثار تدبیر است. مدیریت صحیح زندگی به اندازه گیری درست منتهی می شود. کسی که درآمد و هزینه خود را درست اندازه گیری و به خوبی مدیریت کند، به نقطه اعتدال داد و دهش، بذل و امساک و مصرف و هزینه می رسد که به اصطلاح علم اخلاق، سخاوت نامیده می شود. سخاوت حد وسط بخل و اسراف است. (نراقی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۶) کسی که اندازه نگه می دارد و به اندازه شایسته خرج می کند، جواد و سخاوتمند و میانه رو است. آن که بیش از اندازه مصرف می کند، اسراف کار و آن که کمتر از حد نیاز خرج می کند، بخیل است. میانه روی نتیجه فعالیت عقلانی در زمینه نیازشناسی و برآورد کیفیت پاسخ به نیازهاست؛ بنابراین با عقلانیت نسبت مستقیم دارد. کسی که می تواند مصرف خود را در حد نیاز واقعی و به اندازه پاسخ به آنها کنترل کند، رشید و عاقل است.

خداوند در قرآن شریف می فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (سوره اسراء، آیه ۲۹) و دست خویش به گردنت مبند (و بخل نوز و امساک مکن) و آن را یکسر مگشای (و به گراف و زیاده روی، بخشش مکن) زیرا (در این صورت) نکوهیده و درمانده می نشینی. به این معنا که در کارهای خود اعتدال داشته باشید نه اسراف کار باشید و نه بخل بورزید. و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: اندازه نگه داشتن در هزینه کردن، نیمی از گذران زندگی است. (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۹۶) در نتیجه: این آیه شریفه و روایات وارده، افراط و تفریط در مصرف مال را نفی کرده به اعتدال سفارش می کند.

## ۳- توجه به نیازهای فردی و خانوادگی

از نظر شرع مقدس اسلام، کالاها و خدمات از لحاظ مصرف به پنج دسته تقسیم می شوند که عبارتند از: واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام.

کالاها و خدمات بنا به ویژگی های آنها از جهت مصرف به انواع یاد شده ارزش گذاری می شوند هر یک از این قواعد را شرح می دهیم. (امام خمینی، ۱۳۷۰، با تلخیص)

## ۳-۱- کالاها و نیازمندیهای واجب

از نظر شرع، مصرف دسته ای از کالاها و خدمات الزامی است. مصرف این کالاها به علت های مختلف واجب شده است. از جمله علت های وجوب، فراهم شدن شرایط حفظ جان و استمرار حیات، سلامت جسمانی و روانی، حفظ جان و سلامت جسمی و روانی خود و اطرافیان و نظیر اینهاست.

حفظ جان یکی از مواردی است که مصرف برخی کالاها برای تحقق آن واجب شده است. بر این اساس مصرف مقدار حداقلی از کالاهایی که این امر را تامین کند برای انسان واجب است؛ از جمله خوراک لازم، لباس، مسکن، استفاده از واکسن و داروهای پیشگیری کننده بیماری ها، و مانند اینها.

همینطور صدقات - انفاق و زیارت قبور ائمه (علیهم السلام) از جمله این موارد می توان نام برد. مواردی که به ایمان و روح و روان معنوی انسان کمک می کند تا ایمان خود را حفظ نماید.

مثلا یکی از موارد تخصیص درآمد - که قرآن و احادیث اسلامی بر آن تاکید دارند - هزینه کردن در راه خداوند متعال است. اقدام این افراد از نظر اسلام، آنقدر اهمیت دارد که در قرآن در ردیف ایمان آورندگان به غیب و نماز گزاران شمرده شده است: «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون» (سوره بقره، آیه ۳) (پرهیزگاران اینان اند) کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می کنند و از آنچه روزی شان کردیم، انفاق می کنند.

همچنین خداوند متعال، وعده داده است که پاداش آنچه را انسان برای خداوند هزینه کرده، به مراتب بیش از آنچه کرده، در زندگی ابدی به او باز می گرداند: «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبه انبت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبه و الله یضعف لمن یشاء و الله وسع علیم» (سوره بقره، آیه ۲۶۱) مثل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای، صد دانه باشد. و خداوند برای هر کس که بخواند، (آن را) چند برابر می کند، و خداوند، گشایشگر داناست. اما از آن جا که خداوند متعال، بی نیاز مطلق است، هزینه کردن در راه خدا در واقع، به معنای هزینه کردن در جهت منافع دیگران و مشارکت در خدمات اجتماعی برای جلب رضای حق تعالی است.

در آیه ای دیگر می فرماید: «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقنهم ینفقون» (سوره بقره، آیه ۳) (پرهیزکاران اینان اند) کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می کنند و از آنچه روزشان کردیم انفاق می کنند.

### ۳-۲- کالاهای و نیازمندیهای مستحب

از نظر اسلام مصرف برخی کالاها نسبت به مصرف نکردن آنها ارجح دانسته شده است. به این نوع کالاها دارای مصرف مستحب می گویند. مصرف نکردن این کالاها از نظر شرع زیان خاصی ندارد، اما مصرف آنها حسن تلقی می شود؛ از جمله این موارد عبارتند از: زیارتهای مکرر، که می تواند هم تفریح و هم عبادت تلقی شود. البته در این زمینه باید شرایط زمانی و مکانی، اقتصادی، اجتماعی و نظیر آن مد نظر قرار گیرد.

مصرف برخی کالاها و خدمات بهداشتی نظیر مسواک و عطر و بوی خوش و مانند اینها برای خود و خانواده توصیه شده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «... لتطیب المرأة المسلمة لزوجها» (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۲۱) زن مسلمان باید خودش را برای شوهرش خوشبو سازد و در این رابطه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ام سلمه گوید: از حضرت زهرا (سلام الله علیها) پرسیدم که آیا عطر و بوی خوش ذخیره کرده ای؟ فرمود: آری؛ رفت و شیشه عطری آورد و مقداری در کف دست من ریخت؛ بوی خوشی داشت که هرگز نبویده بودم.» (مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۹۵) لذا در روایت هایی از ائمه (علیهم السلام) سفارش گردیده که بانوان به رنگ کردن موها - آرایش و زیبایی خود توجه نمایند به همین دلیل لازم است بانوان قسمتی از درآمد خود را به این مسئله اختصاص دهند.

### ۳-۳- کالاهای و نیازمندیهای مباح

مصرف بسیاری از کالاهای و خدمات، مجاز شده شمرده شده است. به این گونه موارد که مصرف کردن یا نکردن آن به صورت مستقل، حُسن یا عیبی برای انسان تلقی نمی شود، کالاهای و خدمات دارای مصرف مباح گفته می شود؛ از جمله این موارد عبارتند از:

خوردن بسیاری از خوراکی ها مانند میوه ها، گوشت حیوانات حلال گوشت، غذاها و نظیر اینها یا وسعت دادن به مسکن و تعدد لباس و مانند آن ها انجام انواع تفریحات سالم، و در صدر آنها صلّه رحم است که از کارهای نیک و پسندیده بسیار موثر در ایجاد روابط سالم و سازنده میان خانواده ها و خویشاوندان می باشد. این موضوع در قرآن کریم و روایت های معصومین (علیهم السلام) جایگاه رفیعی دارد و بسیار به آن سفارش شده است. از آیه های قرآن چنین بر می آید که صلّه رحم از اهمیت فراوانی برخوردار است. قرآن کریم می فرماید: «و اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام» (سوره نساء، آیه ۱) تقوای الهی را به آنچه از آن می پرسید، رعایت کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید.

در آیه ای دیگر، یکی از ویژگی های انسان های صاحب خرد را صلّه ارحام بیان می کند: «و الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل» (سوره رعد، آیه ۲۱) (خردمندان) کسانی هستند که نسبت به آنچه خداوند امر به وصل آن کرده، صلّه می کنند.

افزون بر آیات، روایات گوناگونی درباره صلّه رحم وارد شده است. از جمله آنکه: رسول گرامی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «صلوا ارحامکم فی الدنیا و لو بسلام» (مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۷۴، ص ۱۰۴) در دنیا صلّه رحم کنید، اگر چه به یک سلام باشد. و در ذیل صلّه رحم، مسئله مهمان داری مطرح می گردد که از امور پسندیده ای است که مورد تاکید پیشوایان دین است و جایگاه ویژه ای در فرهنگ ما ایرانیان دارد. در حدیثی به نقل از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «هرگاه مهمان، بر گروهی از مردمان وارد شود، رزق و روزیش همراه او از آسمان فرود می آید و چون از غذای آنان بخورد، خداوند به میمنت ورود او گناه آنان را ببخشد. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۳۱۷) و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «هیچ شخص با ایمانی، شخص با ایمانی را اطعام نکند، مگر این که برای او پاداش آزاد کردن برده ای از فرزندان اسماعیل (علیه السلام) خواهد بود، فرق نمی کند اطعام کننده ثروتمند باشد یا تنگدست.» (همان، ص ۲۹۳) در فرهنگ اسلام، پذیرفتن دعوت مسلمان نیز مورد تاکید فراوان است.

### ۳-۴- کالاهای و نیازمندیهای مکروه

به کالاهای و خدماتی که مصرف نکردن آنها از نظر اسلام، بهتر از مصرف کردن آنهاست؛ مکروه گفته می شود از جمله این کالاهای و خدمات عبارتند از: گوشت حیوانات بارکش مانند الاغ، اسب و گوشت حیوانات خاص خوردن برخی اجزای حیوانات حلال گوشت یا پرخوری.

### ۳-۵- کالاهای و نیازمندی های حرام

مصرف برخی کالاها و خدمات از نظر اسلام ممنوع شده است به این گونه موارد حرام گفته می شود. دامنه این کالاها و خدمات و علل تحریم آنها متفاوت است؛ از جمله آنها موارد ذیل هستند. مصرف هر نوع کالایی که زیان جسمی، روحی یا مالی آن برای انسان یا وابستگان او بیشتر از منافع آن باشد یا نفعی بر آن مترتب نباشد. مصرف کالایی که ضرر محتمل عقلایی داشته باشد.

خوردن برخی مواد، مانند سم، گوشت مردار، خون، گوشت حیوانات حرام گوشت و نظیر اینها.

مصرف کالایی که گمراه کننده و استفاده از تفریحاتی که منجر به انجام فعل حرام می شود. مصرف برخی کالاها و خدمات خاص، مانند استفاده مردان از زیور طلا، لباس ابریشم، استفاده از ظروف طلا برای خوردن و نوشیدن، استفاده از لباسهای زنانه برای مردان و بالعکس و نظیر اینها.

بنابراین اگر شخصی ایمان کامل داشته باشد، به واجبات این امور عمل می کند، محرمات را ترک می کند، در حد توان مستحبات را اجرا و مکروهات را ترک می کند و از مباحات نیز در راستای کسب رضای الهی بهره می برد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ذیل آیات ۱۵۳-۱۵۷ بقره)

و آنچه مورد رضایت خداوند متعال است؛ قرار گرفتن انسان در چهارچوب قوانین مندرج در احکام دین است تا در مسیر درست زندگی قرار گیرند؛ و بانوان متدین با رعایت پنج اصول مطرح شده بدرستی به تنظیم اقتصاد و کرامت خانواده می پردازند.

### نتیجه

گرچه در نگاه دینی، زندگی حقیقی در سرای آخرت تحقق می یابد و به گفته ی قرآن شریف زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه ای بیش نیست و بی تردید زندگی حقیقی تنها سرای آخرت است. لکن باز از نگاه قرآنی، چگونگی گذران زندگی انسان از جمله نحوه دخل و خرج او تاثیر گریز ناپذیر و حتمی بر چگونگی حیات جاویدان او در سرای آخرت دارد. بر همین اساس چگونگی مصرف و هزینه کردن اموال از مباحث مهم دینی محسوب می گردد. بر این اساس نصوص دینی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت تا نحوه صحیح و حقیقی بدست آوری اموال و نحوه مصرف آن مورد بررسی قرار گیرد و در این اثنا نقش اساسی زنان در تولید، حفظ و نگهداری و مصرف نمایان گردید؛ و توانایی آنان در مدیریت اقتصادی و حفظ کرامت خانواده به اثبات رسید. و همه این ارزشها و قابلیت ها در سایه ی برنامه ریزی مدبرانه و همه جانبه و ایثارگرایانه زنان تحقق یافته است. چنانچه استعدادهای آنان در حفظ کرامت و قداست خانواده لحاظ نشود بروز مشکلات اقتصادی دامنگیر خانواده و اگر توجه به بانوان فرهیخته جامعه به بروز استعدادهای آنان در جهش تولید در خانواده، و جامعه منجر شود؛ موجب رشد و ترقی نیمی از جامعه گردیده و توسعه فرهنگی و اقتصادی ثمره بالندگی بانوان خواهد بود. بدین جهت به نظر

می رسد عنایت به ابعاد روحی و توانمندی زنان باعث خود اتکایی، امید به زندگی بهتر شده و ارتقای سلامت روح و روان آنان را در پی خواهد داشت.

## منابع و مأخذ

\*قرآن شریف

\*نهج البلاغه

- ۱- آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، مترجم: محمد علی انصاری قمی، تهران، ۱۳۳۷
- ۲- الأحسانی، محمد بن علی (ابن ابی جمهور)، عوالی اللالی فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی العراقی، قم، مطبعة سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۳
- ۳- القرشی، عبدالله بن محمد، مکارم الاخلاق، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق
- ۴- الیاس، معلوف، المنجد فی اللغة، بیروت، دارالمشرق، چاپ ۳۳، ۱۹۹۲ م
- ۵- حر عاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعه، قم، نشر موسسه ال بیت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق
- ۶- خمینی (الموسوی)، سید روح الله، تحریر الوسیله (۲ جلدی)، قم، نشر اسماعیلیان نجفی، بی تا
- ۷- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۶۵ ق
- ۸- شیخ صدوق (محمد بن علی ابن بابویه قمی)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم، النشر الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۵
- ۹- \_\_\_\_\_، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، بی تا
- ۱۰- صافی، احمد، خانواده متعادل، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۴
- ۱۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ق
- ۱۲- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا
- ۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷
- ۱۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵
- ۱۵- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۵۷ ش
- ۱۶- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش
- ۱۷- نزاقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم، انتشارات دارالتفسیر، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ. ش
- ۱۸- یوسفی، احمد علی، نظام اقتصاد علوی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶

ش